

مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران / دوره ۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵: ۲۵۵-۲۷۱

پیش‌بینی‌کننده‌های شخصیتی و خلقی جامعه‌پسندی

مجید صفاری‌نیا^۱

علیرضا آقا‌یوسفی^۲

حمیدرضا ایمانی‌فر^۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۱۵

چکیده

رفتار جامعه‌پسندی، شامل گروه‌بزرگی از رفتارهای اختیاری است که به قصد منفعت دیگران انجام می‌شود. شناخت عوامل شخصیتی و خلقی پیش‌بینی‌کننده جامعه‌پسندی، سبب شناخت بهتر عوامل نیرومندساز تعامل‌های اجتماعی می‌شود. جامعه آماری این پژوهش همبستگی، تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان شهر فسا است. نمونه شامل ۱۲۰ دختر و ۱۲۰ پسر دانش‌آموز مقطع دبیرستان است که به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. پرسشنامه شخصیت جامعه‌پسند، فرم کوتاه پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت نئو و پرسشنامه پاناس (PANAS) ابزارهای سنجش هستند. مطابق نتایج، برون‌گرایی و دلپذیربودن، پیش‌بینی‌کننده قدرتمند جامعه‌پسندی است. همچنین دختران در بیشتر متغیرهای پژوهش در مقایسه با پسران، به طور معنادار نمرات بالاتری به دست آوردند. این نتایج، همسو با پژوهش‌های پیشین است، اما متغیرهای پیش‌بین باوجدان‌بودن، عاطفه مثبت، نروتیک‌بودن و عاطفه منفی نیز هر یک بین ۱ تا ۳ خرده‌مقیاس از هفت زیرمقیاس شخصیت جامعه‌پسند را پیش‌بینی کردند. یافته‌های فرعی تحقیق، لزوم پژوهش‌های بیشتر برای مفهوم‌سازی و ساخت ابزارهای دیگری از سنجش جامعه‌پسندی را پیشنهاد می‌کند.

واژه‌های کلیدی: باوجدان‌بودن، برون‌گرایی، دلپذیربودن، جامعه‌پسندی، گشودگی به تجربه، نروزرگایی.

۱. دانشیار دانشگاه پیام‌نور، m.saffarinia@pnu.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه پیام‌نور، arayeh1100@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)، imanifar@gmail.com

مقدمه

رفتار جامعه‌پسند، شامل گروه بزرگی از رفتارهای اختیاری افراد است که به قصد منفعت دیگران انجام می‌شود. این کمک‌کردن ممکن است به اشکال گوناگونی مانند کمک‌کردن، تقسیم‌کردن سهم خود، به‌آسایش‌رساندن، اطلاع‌رسانی و همکاری باشد (بارتال و همکاران، ۲۰۱۴). رفتار جامعه‌پسند، درمورد اعمالی به‌کار می‌رود که هیچ سود مستقیمی به فردی که آن اعمال را انجام می‌دهد، نمی‌رساند و حتی ممکن است خطراتی برای او به‌همراه داشته باشد (بارون و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۸). پژوهش‌های تجربی، رفتار حمایت اجتماعی را کار اختیاری و عمل نیکوکارانه برای افراد دیگر قلمداد می‌کنند. جهت‌گیری جامعه‌پسندانه نیز به مجموعه‌ای از نگرش‌ها، شناخت‌ها و رفتارهایی اشاره دارد که به‌گونه‌ای موفقیت‌آمیز موجب افزایش و نیرومندشدن تعامل‌های اجتماعی می‌شود (بارتال و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۶-۱). روان‌شناسان اجتماعی به علائق و انگیزه‌های افراد برای رفتار جامعه‌پسندانه توجه ویژه‌ای داشته‌اند. جامعه‌پسندی، انتخاب نوع‌دوستی دربرابر خودپسندی است (ادرمن و بروکویتز، ۱۹۷۰: ۱۴۱). رفتار جامعه‌پسند، عملی است که موجب بهزیستی دیگران می‌شود (ایزبرگو و همکاران، ۲۰۰۶: ۶۴۷)؛ هرچند در بعضی از دیدگاه‌ها بر تعارض میان فرد و منافع اجتماعی تأکید داشته‌اند (داویس، ۱۹۸۰: ۱۶۹). پژوهش‌های تجربی، از علائق اجتماعی افراد حکایت دارد (منزبریدج، ۱۹۹۰: ۱۲۴). این پژوهش‌ها بر انگیزه‌های افراد برای کمک به دیگران (گرن، ۲۰۰۸: ۴۸) و متغیرهای موقعیتی و شخصیتی که بر جامعه‌پسندی تأثیر می‌گذارد (پنر و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۴۷) تمرکز یافته‌اند و به این پرسش پاسخ می‌دهند که چه فعالیت‌هایی رفتار جامعه‌پسندانه را تشویق می‌کند (پاوی و همکاران، ۲۰۱۱: ۹۰۵).

برخلاف تاریخ طولانی فلسفی و علائق تجربی بر جامعه‌پسندی و تحقیقات فراوانی که درمورد رشد و ارتباطات جامعه‌پسندی صورت گرفته است، هنوز در فهم این جهت‌گیری رفتاری با پرسش‌های متعددی روبه‌رو هستیم (دانفیلد و کالمر، ۲۰۱۳: ۱۱). پژوهش درباره رفتار جامعه‌پسند، با نتایج متفاوتی همراه بوده است. بعضی از مطالعات، همبستگی پایین اما معناداری را بین انواع رفتار جامعه‌پسند نشان داده‌اند (دانفیلد و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۲۷) و بعضی از پژوهش‌ها، ارتباطی قوی میان تقسیم‌کردن سهم خود و به‌آسایش‌رساندن دیگران یافته‌اند (رادکی- یارو و همکاران، ۱۹۸۳: ۴۶۹). محققان دیگر، این همبستگی را در کمک‌کردن به دیگران و به‌آسایش‌رساندن آنان

یافتند (ایسنبرگ و هند، ۱۹۷۹: ۳۶۵). درمقابل، پژوهش‌هایی نشان دادند همبستگی‌های تقسیم‌کردن سهم خود با متغیرهای دیگر، به نوع و شیوه تقاضای دیگران از فرد جامعه‌پسند برای تقسیم‌کردن سهم خود بستگی دارد (هی و همکاران، ۱۹۹۹: ۹۰۵).

ویژگی‌های شخصیتی نیز در ارتباط با شخصیت جامعه‌پسند، بر پاسخ‌های موقعیتی فرد تأثیر می‌گذارند (برزسکی و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۳۸)؛ برای مثال، برون‌گرایی، محرک رفتارهای اجتماعی است (تکاج و لیوبومیرسکی، ۲۰۰۶: ۱۸۳). صفات شخصیتی، به آن دسته از ویژگی‌ها اطلاق می‌شود که طی زمان و در موقعیت‌های مختلف پدیدارند (پروین و جان، ۱۳۸۱: ۱۸۵). اگر ابعاد اساسی شخصیت را کشف کرده باشیم، نقطه عطفی در روان‌شناسی شخصیت خواهیم یافت (مک‌کری و جان، ۱۹۹۲: ۱۷۶). در بررسی این ابعاد، امروزه بعضی از محققان به این نتیجه رسیده‌اند که خطوط کلی پنج‌عاملی، بهترین فرضیه عملی برای معرفی جامع ساختار صفات هستند (دی‌رد و پروجینی، ۲۰۰۲: ۲۲۴). چارچوب پنج عامل بزرگ شخصیت، مدلی سلسله‌مراتبی از ویژگی‌های شخصیتی یا پنج عامل کلی است که در انتزاعی‌ترین سطح ارائه می‌شود. هر عامل، دو قطب دارد؛ برای مثال، برون‌گرایی درمقابل درون‌گرایی قرار می‌گیرد و خود به چند عامل خاص خلاصه می‌شود (دانفیلد و کالمر، ۲۰۱۳: ۱۱). مدل پنج‌عاملی، شخصیت انسان را براساس پنج بعد برون‌گرایی^۱ (جامعه‌پذیری درمقابل جدایی از دیگران)، دلپذیربودن^۲ (غمخواری درمقابل نامهربانی و بدگمانی)، باوجدان‌بودن^۳ (وظیفه‌شناسی درمقابل بی‌قیدی)، نروزرگایی^۴ (عصبی‌بودن درمقابل طمأنینه) و گشودگی به تجربه^۵ (کنجکاوی درمقابل احتیاط) توصیف می‌کند (مک‌کری و جان، ۱۹۹۲: ۱۷۵). هریک از پنج عامل بزرگ شخصیت مورد اشاره در بالا، با سبک‌های توجه، تمرکز و پردازش اطلاعات مشخصی در افراد رابطه دارند و به همین دلیل با جامعه‌پذیری دو خلق مثبت و منفی در ارتباطند. از این‌رو، همبستگی زیادی میان رفتارهای اجتماعی و صفات شخصیتی وجود دارد (ماریس و همکاران، ۲۰۰۷: ۴۵۷).

پژوهش‌های کاربردی رفتار جامعه‌پسند، بر تفاوت‌های فردی، همبستگی‌های رفتاری و بافت موقعیتی تمرکز دارند (ایزنبرگ و همکاران، ۲۰۰۶: ۶۴۶). حضور افراد دیگر در کنار صفات

۱. Extraversion

۲. Agreeableness

۳. Conscientiousness

۴. Neuroticism

۵. Openness

شخصیتی، در رفتار کمک‌کردن به دیگران تأثیر دارد. بیشتر روان‌شناسان اجتماعی معاصر معتقدند که عوامل شخصیتی و موقعیتی، در تعامل با یکدیگر بر تصمیم‌گیری برای رفتار جامعه‌پسند اثر می‌گذارند (گرازینو و همکاران، ۲۰۰۷: ۵۸۳). رویکرد شخص‌ضرب در موقعیت^۱، رفتار کمک‌کردن افراد را تا حد قابل‌قبولی تبیین می‌کند؛ برای مثال، در یک پژوهش، در موقعیتی که ارزش کمک‌کردن در درجه پایینی قرار داشت، افراد با سطح دلپذیربودن پایین، تنها زمانی حاضر به کمک‌کردن بودند که با یک شاخص متمرکز بر همدلی مواجه می‌شدند. دلپذیربودن صفتی است که بر همکاری، همدلی و اعتماد تأکید دارد، اما افرادی با دلپذیربودن بالا، در بافت‌های موقعیتی گوناگون نیز کمک می‌کردند که احتمالاً به‌علت جامعه‌پسندی بسیار آنان است (گرازینو و همکاران، ۲۰۰۷: ۵۸۳). به‌نظر می‌رسد دو بعد روان‌شناختی با جامعه‌پسندی در ارتباط باشند. بعد اول شامل گرایش به موقعیت‌های اجتماعی بیرون به‌علت ماهیت تقویتی‌شان که در مدل پنج‌عاملی شخصیت (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲: ۱۹۹) با صفت برون‌گرایی انطباق دارد. افرادی که در برون‌گرایی نمره بالایی به‌دست می‌آورند، دارای ویژگی‌های جامعه‌پذیری، فعال از نظر رفتاری، خوش‌بین و شادتر از افرادی هستند که نمرات پایین دارند (دپو و کولین، ۱۹۹۹: ۴۹۱). دومین بعد مرتبط با جامعه‌پسندی، گرایش افراد در مراقبت از دیگران و پاسخ‌دادن همدلانه به نیازهایشان است که این ویژگی‌ها در مدل پنج‌عاملی با صفت دلپذیربودن مشخص می‌شود. افرادی که نمرات بالایی در صفت دلپذیربودن به‌دست می‌آورند، در مقایسه با افرادی که نمرات پایینی می‌گیرند، با ویژگی‌های همکاری‌کننده و نوع‌دوستانه مشخص می‌شوند.

علاوه بر عوامل شخصیتی، عوامل عاطفی نیز در جامعه‌پسندی نقش دارند. عواطف، احساسات و هیجانات افراد، روی تفسیر آن‌ها از محیط و نتایج رفتار و چگونگی تعامل آن‌ها با محیط تأثیرگذار است. هیجانات، تأثیر زیادی بر چگونگی تجربیات انسان از زندگی اجتماعی دارند (باستون و همکاران، ۱۹۸۱: ۲۹۰). واتسن و تلیگن (۱۹۸۵: ۲۱۹) براساس مطالعات بردلی و همکاران (به نقل از سینگر و استینیس، ۲۰۰۹: ۴۱)، مدل عاطفه مثبت و منفی^۲ را برای طبقه‌بندی هیجانات به‌کار گرفتند. واتسن و کلارک (۲۰۰۳: ۴۵۶) نیز عواطف را به دو بعد عاطفی پایه تقسیم‌بندی کردند؛ یکی عاطفه منفی است که اندوه و ناراضی‌دنی ذهنی و احساس ناخوشایندی و ناخوشایندی را توصیف می‌کند؛ عاطفه منفی، بعدی عمومی از یأس درونی و عدم اشتغال به کار

۱. Person × Situation

۲. Positive Affect and Negative Affect Scale (PANAS)

لذت‌بخش است که به‌دنبال آن، حالت‌های خلقی اجتنابی از قبیل خشم، غم، تنفر، حقارت، احساس گناه، ترس و عصبانیت پدید می‌آید. بعد عاطفی دوم، عاطفه مثبت است که حالتی از انرژی فعال، تمرکز زیاد و اشتغال به کار لذت‌بخش به‌شمار می‌رود. عاطفه مثبت دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از حالت‌های خلقی مثبت از جمله شادی، احساس توانمندی، شور و شوق، تمایل، علاقه و اعتماد به خود است و شامل مجموعه‌ای از حالات لذت‌بخش، رفتارهای انگیزشی و فیزیولوژیک می‌شود. عاطفه مثبت برای اهداف و نیازهای بین‌شخصی، حیاتی است و در آغاز و حفظ ارتباطات با دوستان، والدین و همسر به‌کار می‌رود. عاطفه مثبت نشانگر این است که فرد تا چه اندازه احساس هیجان‌زدگی، قوی‌بودن، فعال‌بودن و الهام دارد؛ درحالی‌که عاطفه منفی منعکس‌کننده آن است که فرد تا چه حد احساس درماندگی، خشم، تحریک‌پذیری و روان‌آزردگی می‌کند. عاطفه مثبت و منفی، ارتباط نزدیکی با ابعاد برون‌گرایی و روان‌رنجوری آن صفت دارند (تسائوسیس و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۴۴۴). عواطف، واکنش‌های پرنوسانی هستند که همواره از تفکر و شناخت فرد تأثیر می‌پذیرند (هدسون و پوپ، ۱۹۹۰: ۵۵۲). بعضی از نظریه‌پردازان عواطف معتقدند عاطفه مثبت و منفی مستقل از یکدیگرند که ممکن است هم‌زمان در یک فرد وجود داشته باشند و رخ دهند؛ یعنی عواطف مثبت و منفی در یک پیوستار نیستند (واتسون و کلارک، ۲۰۰۳: ۴۵۶)، اما در مدل‌هایی که به‌تازگی ارائه شده است، دو عاطفه مثبت و منفی دو سر یک پیوستارند و قابل تبدیل به یکدیگرند (پریسمن و کوهن، ۲۰۰۵: ۹۲۵). شواهد پژوهشی متعددی نیز در این زمینه گردآوری شده است (چیدا و هامر، ۲۰۰۸: ۸۲۹).

درمورد پژوهش‌های جامعه‌پسندی و ارتباط آن با متغیرهای دیگر، رادکی-یارو و دیگران (۱۹۸۳: ۴۶۹)، سه مشکل را ذکر کرده‌اند. نخست آنکه جامعه‌پسندی در پژوهش‌های رفتارهای خاص و محدودی بررسی می‌شود. دوم آنکه تأکید بسیاری بر متغیرهایی که ارزش کمتری دارند، صورت گرفته است. سوم آنکه پژوهش‌های اندکی وجود دارد که سه جنبه شناختی، عاطفی و رفتاری را هم‌زمان مطالعه کرده باشد. در این پژوهش، به هر سه بعد شناختی، رفتاری و عاطفی توجه می‌شود. هدف این پژوهش، بررسی پیش‌بینی‌کنندگی عوامل شخصیتی و خلقی در جامعه‌پسندی است. مسئله پژوهش آن است که بدانیم کدام عوامل شخصیتی و خلقی، میزان جامعه‌پذیری افراد را پیش‌بینی می‌کنند. با توجه به اهداف و ادبیات پژوهش، پرسش‌های آن به شرح زیر است:

۱. آیا پنج عامل بزرگ شخصیت قابلیت آن را دارد که میزان جامعه‌پسندی افراد را پیش‌بینی

کند؟

۲. آیا خلق مثبت و منفی، میزان جامعه‌پسندی افراد را پیش‌بینی می‌کند؟

۳. آیا میان دختران و پسران در میزان جامعه‌پسندی تفاوت معنادار وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش همبستگی، تمامی دانش‌آموزان پسر و دختر دبیرستان‌های شهر فسا در استان فارس است. این شهر به دلیل در دسترس بودن برای محققان و تعداد مناسب جمعیتی (حدود ۱۲۵ هزار نفر) انتخاب شد. در فسا چهارده مدرسه پسرانه و دوازده مدرسه دخترانه وجود دارد. در این پژوهش، با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا به صورت تصادفی، چهار مدرسه دخترانه و چهار مدرسه پسرانه انتخاب شدند. در هر مدرسه، از هر پایه تحصیلی (اول، دوم و سوم دبیرستان) ۱۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. در نهایت، ۱۲۰ دختر و ۱۲۰ پسر به عنوان نمونه انتخاب شدند که آزمون‌ها در مورد آن‌ها انجام گرفت. آزمون‌ها به صورت گروهی و با ارائه توضیحات درباره اجرا و محرمانه بودن نتایج آزمون در محیط کلاس اجرا شد. تعداد نمونه‌ها نیز با توجه به فرمول کوکران، معرف جامعه است. با توجه به معرف بودن نمونه پژوهشی حاضر، یافته‌های آن را می‌توان به دامنه‌های سنی و جنسیتی دانش‌آموزان شهر فسا تعمیم داد. البته واضح است که برای تأیید و تعمیم یافته‌های این پژوهش به جوامع آماری و دامنه‌های سنی دیگر، به پژوهش‌های موازی دیگری نیاز است.

ابزار سنجش: الف) پرسشنامه شخصیت جامعه‌پسند: پرسشنامه شخصیت جامعه‌پسند سی‌گویه‌ای را پتر (۲۰۰۲) طراحی کرد که به‌طور معمول، به‌عنوان مقیاس عمومی در روان‌شناسی اجتماعی، برای ارزیابی گرایش‌های جامعه‌پسند از منظر صفت شخصیتی به‌کار می‌رود. این نسخه سی‌گویه‌ای، خلاصه مقیاس شخصیت جامعه‌پسند است. این پرسشنامه، در پژوهش صفاری‌نیا و باجلان (۱۳۹۰)، به نقل از صفاری‌نیا، (۱۳۹۱: ۸۶)، روی ۸۵۰ دانشجوی هنجاریابی شده است. پایایی پرسشنامه، با استفاده از روش بازآزمایی، برای کل پرسشنامه ۰/۹۸ و برای خرده‌مقیاس‌های آن به ترتیب بین ۰/۴۲ تا ۱ و با استفاده از روش ضریب همسانی درونی برای کل پرسشنامه ۰/۷۹ و برای خرده‌مقیاس‌های آن بین ۰/۱۷ تا ۰/۷۴ به دست آمد که رضایت‌بخش است. نتایج، با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی و شاخص‌هایی نظیر $RMSEA=0/02$ ، $GFI=0/96$ و $AGFI=0/95$ نشان داد که ساختار دوعاملی، در جامعه ایرانی برازش خوبی دارد.

ب) پرسشنامه فرم کوتاه شخصیتی نئو: این پرسشنامه معتبر ۶۰ سؤالی که پاسخ‌های آن در مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای است، در ایران به دست گروسی (۱۳۷۷: ۱۰) هنجاریابی شده است. پایایی زیرمقیاس‌های N,E,O,A,C به روش آزمون-آزمون مجدد در فاصله ۳۷ روز به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۸۰/۷۹، ۰/۷۵/۰/۸۳، ۰/۷۹ است. در زمینه روایی هم‌زمان این پرسشنامه و پرسشنامه ریخت مایرز بریکز، پرسشنامه چندجنبه‌ای شخصیتی مینه‌سوتا، پرسشنامه تجدیدنظرشده کالیفرنیا، بررسی مزاج گیلفورد و زاگرن و فهرست رگه‌ها و مقیاس رگه بین‌فردی همبستگی معنادار و قابل قبولی گزارش شد (ملازاده، ۱۳۸۱: ۱۶۷). گزارش‌هایی نیز در مورد روایی عوامل نئو ارائه شد. مک‌کری و کاستا (۱۹۸۹: ۱۰۷) اظهار کردند که ابزار کوتاه‌شده نئو، با فرم کامل آن مطابقت دقیقی دارد؛ به گونه‌ای که مقیاس‌های فرم کوتاه، همبستگی بالاتر از ۰/۶۸ را با مقیاس‌های فرم کامل دارد.

ج) مقیاس عاطفه مثبت و منفی: مقیاس عاطفه مثبت و منفی، مقیاس خودسنجی است که توسط واتسن، کلارک و تلگن (۱۹۸۸)، به نقل از لویز و اسنایدر، (۲۰۰۷: ۱۳۲) و به منظور سنجش دو بعد عاطفه مثبت^۱ و عاطفه منفی^۲ ساخته شد. برای سنجش هر بعد عاطفی، یک خرده‌مقیاس ده‌گویه‌ای در نظر گرفته شد. گویه‌ها روی یک مقیاس پنج‌نقطه‌ای (۱=بسیار کم تا ۵=بسیار زیاد) از سوی آزمودنی رتبه‌بندی می‌شوند. دامنه نمرات برای هر خرده‌مقیاس بین ۱۰ تا ۵۰ است. ضرایب سازگاری درونی (آلفا) برای خرده‌مقیاس عاطفه مثبت ۰/۸۸ و برای خرده‌مقیاس عاطفه منفی ۰/۸۷ است. بخشی‌پور و دژکام (۱۳۸۴)، اعتبار درونی دو خرده‌مقیاس و همچنین صحت عاملی، روایی سازه و اعتبار این ابزار را در نمونه‌های ایرانی تأیید کردند. از لحاظ روایی، به کمک این ابزار می‌توان بیماران مضطرب و افسرده را در سطح ۹۵ درصد اطمینان از هم جدا کرد.

نتایج پژوهش

در این پژوهش ۱۲۰ دختر و ۱۲۰ پسر دانش‌آموز دبیرستان (مقاطع اول، دوم و سوم) با میانگین سنی ۱۶/۵۸ سال شرکت کردند. آمار توصیفی داده‌های پژوهش شامل میانگین و انحراف استاندارد در جدول ۱ ارائه شده است.

۱. PANAS-P

۲. PANAS-N

جدول ۱. نتایج آمار توصیفی پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	متغیر	میانگین	انحراف معیار
سن	۱۶/۵۸	۰/۹۲۱	شخصیت جامعه‌پسند	۹۵/۹۶	۱۲/۰۶۹
نروتیک‌بودن (زیرمقیاس شخصیت)	۲۳/۱۸	۵/۵۳۹	مسئولیت اجتماعی (زیرمقیاس جامعه‌پسندی)	۲۱/۹۴	۴/۴۳۷
برون‌گرایی (زیرمقیاس شخصیت)	۲۹/۰۲	۵/۴۶۴	ارتباط همدلانه (زیرمقیاس جامعه‌پسندی)	۱۴/۱۳	۳/۲۴۳
دلپذیربودن (زیرمقیاس شخصیت)	۲۴/۳۷	۴/۸۹۹	نگاه از منظر دیگران (زیرمقیاس جامعه‌پسندی)	۱۵/۲۴	۲/۸۴۱
دلپذیربودن (زیرمقیاس شخصیت)	۲۸/۶۹	۵/۰۱۷	پیشانی فردی (زیرمقیاس جامعه‌پسندی)	۹/۵۲	۲/۴۴۸
باوجدان‌بودن (زیرمقیاس شخصیت)	۳۱/۰۹	۶/۸۳۱	استدلال اخلاقی دو جانبه (زیرمقیاس جامعه‌پسندی)	۱۰/۴۲	۲/۸۶۲
عاطفه مثبت (زیرمقیاس خلقی)	۳۰/۰۸	۳/۸۴۷	استدلال اخلاقی جهت‌گیری شده- دیگران (زیرمقیاس جامعه‌پسندی)	۱۰/۳۳	۲/۷۳۴
عاطفه منفی (زیرمقیاس خلقی)	۲۵/۷۷	۳/۶۱۴	نوع‌دوستی خودگزارشی (زیرمقیاس جامعه‌پسندی)	۱۴/۳۹	۴/۵۲۷

در ارائه نتایج توصیفی پژوهش، ابتدا میانگین و انحراف استاندارد پنج عامل بزرگ شخصیت شامل نروتیک‌بودن، برون‌گرایی، دلپذیربودن، دلپذیربودن و باوجدان‌بودن و سپس عاطفه مثبت و منفی و شخصیت جامعه‌پسند ارائه می‌شود و در نهایت، نتایج توصیفی هفت خرده‌مقیاس جامعه‌پسندی نشان داده می‌شود. برای اختصار و جلوگیری از تکرار، آمار توصیفی تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای فوق، به دلیل لزوم ارائه مجدد آن در جدول ۴، در جدول ۱ ارائه نمی‌شود. همچنین ماتریس همبستگی بین متغیرهای تحقیق در جدول ۲ قابل مشاهده است.

مهم‌ترین نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهش (جدول ۲) نشان داد شخصیت جامعه‌پسند، با چهار عامل بزرگ شخصیت نئو (به‌جز نروتیک‌بودن) همبستگی معنادار دارد. عاطفه مثبت، با برون‌گرایی، دلپذیری و باوجدان‌بودن رابطه مثبت و با نروتیک‌بودن رابطه منفی معنادار دارد. عاطفه منفی نیز با نروتیک‌بودن و دلپذیری و با برون‌گرایی و باوجدان‌بودن رابطه منفی معنادار دارد.

برای پاسخ به پرسش‌های اول و دوم پژوهش (پنج عامل بزرگ شخصیت و عواطف مثبت و منفی تا چه میزان شخصیت جامعه‌پسند و خرده‌مقیاس‌های آن را پیش‌بینی می‌کند) از روش رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد که نتایج در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. سازوکار تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر شخصیت جامعه‌پسند و زیرمقیاس‌های آن

متغیر وابسته	متغیر مستقل	B	SE B	Beta	sig
شخصیت جامعه‌پسند	برون‌گرایی	۰/۸۷۸	۰/۱۳۵	۰/۳۹۲	۰/۰۰۱
	دلپذیری	۰/۸۵۰	۰/۱۴۶	۰/۳۴۵	۰/۰۰۱
مسئولیت اجتماعی	دلپذیری	۰/۳۷۶	۰/۰۵۵	۰/۴۱۸	۰/۰۰۱
	عاطفه مثبت	۰/۱۸۹	۰/۰۶۹	۰/۱۶۶	۰/۰۰۷
ارتباط همدلانه	نروتیک‌بودن	-۰/۱۰۲	۰/۰۴۸	-۰/۱۳۰	۰/۰۳۵
	باوجدان‌بودن	۰/۱۳۵	۰/۰۵۰	۰/۱۹۰	۰/۰۰۷
پیشانی فردی	برون‌گرایی	۰/۱۴۷	۰/۰۴۵	۰/۲۳۷	۰/۰۰۱
	سن	۰/۵۰۲	۰/۲۴۴	۰/۱۴۳	۰/۰۴۱
نگاه از منظر دیگران	عاطفه منفی	۰/۱۷۷	۰/۰۴۵	۰/۲۵۷	۰/۰۰۱
	باوجدان‌بودن	-۰/۰۸۷	۰/۰۲۴	-۰/۲۳۴	۰/۰۰۱
استدلال اخلاقی دوجانبه	باوجدان‌بودن	۰/۰۸۴	۰/۰۳۰	۰/۲۰۰	۰/۰۰۵
	دلپذیری	۰/۱۰۶	۰/۰۳۸	۰/۱۹۰	۰/۰۰۶
استدلال اخلاقی جهت‌گیری شده- دیگران	عاطفه مثبت	۰/۱۳۰	۰/۰۴۷	۰/۱۸۴	۰/۰۰۶
	برون‌گرایی	۰/۱۹۶	۰/۰۳۲	۰/۳۹۳	۰/۰۰۱
نوع‌دوستی خودگزارشی	دلپذیری	۰/۰۹۱	۰/۰۳۴	۰/۱۶۶	۰/۰۰۹
	باوجدان‌بودن	۰/۰۷۲	۰/۰۲۷	۰/۱۷۵	۰/۰۰۹
جهت‌گیری شده- دیگران	برون‌گرایی	۰/۱۸۴	۰/۰۳۰	۰/۳۷۷	۰/۰۰۱
	جنسیت	-۱/۱۳۵	۰/۳۱۶	-۰/۲۱۶	۰/۰۰۱
نوع‌دوستی خودگزارشی	دلپذیری	۰/۱۲۳	۰/۰۳۲	۰/۲۳۰	۰/۰۰۱
	نروتیک‌بودن	۰/۰۸۴	۰/۰۲۹	۰/۱۷۸	۰/۰۰۵
نوع‌دوستی خودگزارشی	عاطفه منفی	-۰/۰۹۰	۰/۰۴۵	-۰/۱۲۱	۰/۰۴۸
	عاطفه مثبت	۰/۱۹۹	۰/۰۵۳	۰/۲۵۶	۰/۰۰۱
	برون‌گرایی	۰/۱۹۷	۰/۰۵۵	۰/۲۴۳	۰/۰۰۱

نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد برون‌گرایی و دلپذیری به‌طور معناداری ($p < ۰/۰۰۱$) شخصیت جامعه‌پسند را پیش‌بینی می‌کند. علاوه‌برآن، باوجدان‌بودن خرده‌مقیاس‌های نگاه از منظر دیگران و پیشانی فردی ($p < ۰/۰۰۱$) را پیش‌بینی می‌کند. از طریق عاطفه منفی نیز پیشانی

فردی و استدلال اخلاقی جهت‌گیری شده- دیگران ($p < 0/001$) پیش‌بینی شد. نروتیک‌بودن و جنسیت آزمودنی‌ها نیز استدلال اخلاقی جهت‌گیری شده- دیگران را پیش‌بینی کردند. برای پاسخ به پرسش سوم (دختران و پسران در ویژگی‌های شخصیتی و خلقی و جامعه‌پسندی چه تفاوتی با هم دارند) درمورد گروه‌های مستقل، از روش تی‌تست استفاده شد. نتایج در جدول ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۴. نتایج تی‌تست بین دختر و پسر در متغیرهای پژوهش

Sig.	df	t	Sd.	میانگین	جنسیت	
۰/۰۲۲	۲۳۸	۲/۳۰۲	۵/۷۹۶	۲۴/۰۱	دختر	نروتیک‌بودن
				۲۲/۳۷	پسر	
۰/۰۲۳	۲۳۸	۲/۲۸۸	۵/۹۵۶	۲۹/۸۲	دختر	برون‌گرایی
				۲۸/۲۲	پسر	
۰/۰۰۱	۲۳۸	۶/۵۶۶	۴/۲۰۷	۲۶/۲۸	دختر	دلپذیربودن
				۲۲/۴۳	پسر	
۰/۳۶۲	۲۳۸	۰/۹۱۳	۵/۰۷۶	۲۸/۹۸	دختر	انعطاف‌پذیری
				۲۸/۳۹	پسر	
۰/۳۷۰	۲۳۸	۰/۸۹۷	۵/۷۸۹	۳۱/۴۸	دختر	باوجدان‌بودن
				۳۰/۶۹	پسر	
۰/۰۰۱	۲۳۸	۳/۸۲۸	۳/۷۴۶	۲۴/۹۸	دختر	عاطفه مثبت
				۲۳/۱۰	پسر	
۰/۰۰۱	۲۳۸	۳/۰۴۳	۳/۳۱۸	۲۰/۴۵	دختر	عاطفه منفی
				۱۹/۰۹	پسر	
۰/۰۰۲	۲۳۸	۳/۱۶۰	۱۱/۴۲۲	۹۸/۳۸	دختر	شخصیت جامعه‌پسند
				۹۳/۵۴	پسر	
۰/۹۶۵	۲۳۸	۰/۰۴۴	۴/۲۹۷	۲۱/۹۵	دختر	مسئولیت اجتماعی
				۲۱/۹۲	پسر	
۰/۰۰۱	۲۳۸	۳/۹۵۸	۳/۳۸۵	۱۴/۹۳	دختر	ارتباط همدلانه
				۱۳/۳۲	پسر	
۰/۲۲۹	۲۳۸	۱/۲۰۵	۲/۸۰۱	۱۵/۴۶	دختر	نگاه از منظر دیگران
				۱۵/۰۲	پسر	
۰/۳۵۷	۲۳۸	۰/۹۲۳	۲/۰۰۶	۹/۶۷	دختر	پربشانی فردی
				۹/۳۸	پسر	
۰/۰۰۲	۲۳۸	۳/۱۲۲	۲/۵۶۰	۱۰/۹۸	دختر	استدلال اخلاقی
				۹/۸۵	پسر	
۰/۰۰۱	۲۳۸	۵/۱۴۰	۲/۵۰۵	۱۱/۱۹	دختر	استدلال
				۹/۴۷	پسر	
۰/۵۰۴	۲۳۸	-۰/۶۶۹	۴/۶۱۹	۱۴/۱۹	دختر	نوع‌دوستی خودگزارشی
				۱۴/۵۸	پسر	

مطابق جدول ۴، دختران در بیشتر متغیرها شامل نروتیک بودن، برون گرایی، دلپذیر بودن، عاطفه مثبت و منفی، شخصیت جامعه‌پسند و خرده‌مقیاس‌های استدلال اخلاقی جهت‌گیری شده، استدلال اخلاقی دوجانبه و ارتباط همدلانه، به‌طور معناداری نمراتی بالاتر از پسران به‌دست آوردند و در بقیه متغیرها، تفاوت معناداری میان دو گروه مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌اختصار نتایج پژوهش (جدول ۳ و ۴) نشان داد از میان پنج عامل بزرگ شخصیت، دلپذیر بودن و برون‌گرایی، شخصیت جامعه‌پسند را پیش‌بینی می‌کنند. عاطفه مثبت، سه زیرمقیاس جامعه‌پسندی (مسئولیت اجتماعی، نگاه از منظر همکاران و نوع‌دوستی خودگزارشی) را به‌گونه‌ای معنادار پیش‌بینی می‌کند و پیش‌بینی معنادار دو زیرمقیاس (استدلال اخلاقی جهت‌گیری شده- دیگران و پریشانی فردی) برعهده عاطفه منفی است. بررسی تفاوت‌های جنسیتی نشان داد دختران در بیشتر متغیرها شامل نروتیک بودن، برون‌گرایی، دلپذیر بودن، عاطفه مثبت و منفی، شخصیت جامعه‌پسند و خرده‌مقیاس‌های استدلال اخلاقی جهت‌گیری شده، استدلال اخلاقی دوجانبه و ارتباط همدلانه، به‌طور معناداری نمراتی بالاتر از پسران به‌دست می‌آورند.

پژوهش‌های پیشین در زمینه پیش‌بینی‌کننده‌های شخصیتی جامعه‌پسندی نیز همسو با تحقیق حاضر، بر پیش‌بینی‌کنندگی دلپذیر بودن و برون‌گرایی برای صفت جامعه‌پسندی تأکید داشتند؛ برای نمونه می‌توان به مطالعات کاوتینهو و دیگران (۲۰۱۳: ۱۶۹۰-۱۶۸۲)، گرازینو و دیگران (۲۰۰۷: ۵۸۳) و دپو و کولین (۱۹۹۹: ۴۹۱) اشاره کرد.

در زمینه پیش‌بینی‌کنندگی‌های خلقی جامعه‌پسندی نیز همسو با پژوهش حاضر، تحقیقات پیشین نشان دادند خلق مثبت، در رفتار سازمانی جامعه‌پسندی تأثیر مثبت دارد (جرج، ۱۹۹۱: ۲۹۹) و هیجانات مثبت بیشتر از هیجانات منفی و خنثی موجب ترغیب می‌شوند. در حالت عواطف مثبت، افراد به‌وسیله پیام‌های سیاسی و اجتماعی بیشتر ترغیب می‌شوند (ایلونا و همکاران، ۲۰۰۸: ۴۵۵). مکی‌تاش (۲۰۰۷: ۵۶) نشان داد عاطفه مثبت با اشتیاق اجتماعی رابطه دارد. شواهد درمورد عاطفه مثبت نشان می‌دهد بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی مطلوب مانند جامعه‌پذیری و رفتار جامعه‌پسند با آن مرتبط است (لیبومرسکی و کینگ، ۲۰۰۵: ۸۰۳). روابط بین‌فردی، با عاطفه

مثبت در ارتباط است (بروس و همکاران، ۲۰۱۵: ۵۵). آموزش در زمینه غمخواری و شفقت^۱، اثر مثبتی بر عاطفه مثبت دارد و عاطفه مثبت نیز بر افزایش جامعه‌پسندی اثرگذار است (لیبرگ و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۳۵)، پژوهش حاضر نیز همسو با تحقیقات گذشته نشان داد عاطفه مثبت، سه زیرمقیاس جامعه‌پسندی (مسئولیت اجتماعی، نگاه از منظر همکاران و نوع‌دوستی خودگزارشی) را به‌طور معنادار پیش‌بینی می‌کند.

نتایج قابل‌بحث تحقیق را می‌توان در بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معنادار صفات شخصیتی و خلقی در خرده‌مقیاس‌های شخصیت جامعه‌پسند یافت. با وجود آنکه تنها برون‌گرایی و دلبذیربودن قادر بودند شخصیت جامعه‌پسندی را پیش‌بینی کنند، متغیرهای پیش‌بین باوجدان‌بودن، عاطفه مثبت، نروتیک‌بودن و عاطفه منفی نیز هریک بین یک تا سه خرده‌مقیاس (جدول ۳) از هفت زیرمقیاس شخصیت جامعه‌پسند را پیش‌بینی کردند. این یافته‌ها نشانگر تنوع زیرشاخه‌های صفت جامعه‌پسندی است. همان‌طور که گفته شد، جامعه‌پسندی و پژوهش‌های فراوانی که بر رشد و ارتباطات جامعه‌پسندی صورت گرفت، هنوز در فهم این جهت‌گیری رفتاری با پرسش‌های متعددی روبه‌روست و با نتایج متفاوتی همراه شده است (دانفیلد و کالمر، ۲۰۱۳: ۱۱). هنوز در مورد زیرمقیاس‌های جامعه‌پسندی، توافقی حاصل نشده است. در ساخت پرسشنامه شخصیت جامعه‌پسند، پنر (۲۰۰۲) در نسخه خارجی و صفاری‌نیا و باجلان (۱۳۹۱)، در هنجاریابی نسخه فارسی آن در ایران به هفت زیرمقیاس دست یافتند، اما نتایج فرعی پژوهش نشان داد متغیرهای پیش‌بین باوجدان‌بودن، عاطفه مثبت، نروتیک‌بودن و عاطفه منفی، هریک بین یک تا سه خرده‌مقیاس از هفت زیرمقیاس شخصیت جامعه‌پسند را پیش‌بینی می‌کنند. این مسئله، لزوم تحقیقات بیشتر برای مفهوم‌سازی و ساخت ابزارهای دیگری از سنجش جامعه‌پسندی را نشان می‌دهد.

نکته شایان‌توجه پژوهش، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی متغیر نروتیک‌بودن برای دو زیرمقیاس جامعه‌پسندی (مسئولیت اجتماعی و استدلال اخلاقی دوجانبه) و عاطفه منفی برای دو زیرمقیاس جامعه‌پسندی (پیشانی فردی و استدلال اخلاقی دوجانبه) است. در پاسخ به این پرسش که چرا عاطفه منفی و نروتیک‌بودن، بعضی از زیرمقیاس‌های جامعه‌پسندی را پیش‌بینی می‌کند، به ماهیت زیرمقیاس‌ها، عوامل ایجادکننده و تشکیل‌دهنده جامعه‌پسندی برمی‌گردد (دانفیلد و کالمر، ۲۰۱۳: ۱۱). این یافته پژوهش که عاطفه منفی توانست زیرمقیاس پیشانی فردی را پیش‌بینی کند قابل‌پذیرش است، اما پاسخ‌دهی به این پرسش که آیا پیشانی فردی را می‌توان یکی از

زیرمجموعه‌های جامعه‌پسندی به‌شمار آورد، نیاز به تحقیقات بیشتر دارد. در تأیید ارتباط عاطفه منفی و نروتیک‌بودن با قدرت استدلال- که در این مطالعه به‌دست آمد- چند پژوهش یافت شدند که به ارتباط میان خلق و قدرت استدلال پرداخته‌اند. عاطفه منفی و نروتیک‌بودن، با قدرت استدلال در ارتباط است (شوارز و اسکورنیک، ۲۰۰۳: ۲۶۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهند افراد غمگین، در تکالیف استدلال قیاسی بهتر از افراد نرمال و غیرغمگین عمل می‌کنند (فیدلر، ۱۹۹۸؛ ملتون، ۱۹۹۵ به نقل از استرنبرگ، ۱۳۸۷: ۴۲۴) که همسو با نتایج پژوهش است.

درمورد تفاوت‌های جنسی در صفات شخصیت، به‌طورکلی در تمامی ملل و کشورها، تمامی پژوهش‌های انجام‌شده درمورد پنج عامل بزرگ شخصیت نئو نشان دادند زنان در هر پنج مقیاس نروتیک‌بودن، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیری و باوجدان‌بودن، برتر از مردان هستند (مک‌کری و تراکسیانو، ۲۰۰۵: ۵۴۷؛ ساجمت و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۶۸). پژوهش‌ها در جامعه ایرانی نیز همسو با پژوهش حاضر، همین نتایج را درمورد تفاوت‌های جنسیتی گزارش کردند (ایمانی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۱).

با توجه به نتایج این پژوهش که پنج عامل بزرگ شخصیت، هریک زیرمقیاس‌های متفاوتی از شخصیت جامعه‌پسند را پیش‌بینی می‌کنند و با توجه به پژوهش‌های پیشین درباره ماهیت جامعه‌پسندی که هنوز به‌طور کامل زیرمجموعه‌های آن شناخته نشده است و تحقیق درمورد آن با سؤالات متعددی روبرو بوده است (دانفیلد و کالمر، ۲۰۱۳: ۱۱)، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده روی مفهوم‌سازی جامعه‌پسندی و تلاش مجدد برای ساخت ابزارهای دیگر سنجش این متغیر مهم روان‌شناسی اجتماعی تمرکز یابند. از محدودیت‌های این پژوهش نیز جامعه آماری آن است که محدود به دانش‌آموزان دبیرستانی است. این امکان وجود دارد که تعمیم نتایج پژوهش به جوامع دیگر تحقیقاتی مانند دانشجویان متفاوت باشد.

منابع

- استرنبرگ، رابرت (۱۳۸۷)، روان‌شناسی شناختی، ترجمه کمال خرازی و الهه حجازی، تهران: انتشارات سمت.
- ایمانی‌فر، حمیدرضا (۱۳۹۰)، رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایت از زندگی، دانشگاه پیام‌نور استان فارس، طرح پژوهشی.
- بارون، رابرت؛ بیرن، دان و برنسکامپ، نایلا (۱۳۸۸)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه یوسف کریمی، تهران: نشر روان.

- بخشی‌پور، عباس و دژکام، محمود (۱۳۸۴)، «تحلیل‌عاملی تأییدی مقیاس عاطفه مثبت و منفی»، *مجله روان‌شناسی*، شماره ۴: ۳۵۱-۳۶۵.
- پروین، لارنس و جان، الیور (۱۳۸۱)، *روان‌شناسی شخصیت، نظریه و پژوهش*، ترجمه محمدجعفر جواد و پروین کدیور، تهران: نشر آیش.
- صفاری‌نیا، مجید (۱۳۹۱)، *آزمون‌های روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت*، تهران: انتشارات ارجمند.
- گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۷۷)، *هنجاریابی جدید شخصیتی نئو و بررسی تحلیلی ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران*، رساله دکتری روان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت‌مدرس.
- ملازاده، جواد (۱۳۸۱)، *رابطه سازگاری زناشویی با عوامل شخصیت و سبک‌های مقابله‌ای در فرزندان شاهد*، رساله دکتری روان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت‌مدرس.
- Aderman, D. and Berkowitz, L. (1970), "Observational Set, Empathy, and Helping", *Journal of Personality and Social Psychology*, No 14: 141-148.
- Bartal, I. A., Rodgers, D.A, Sarria, M. B, Decety, J. and Mason, P. (2014), **Pro-social Behavior in Rats is Modulated by Social Experience**, University of Chicago, United States, Online Published January 14, Cite as Elfie.
- Batson, C. D., Duncan, B. D., Ackerman, P., Buckley, T. and Birch, K. (1981), "Is Empathic Emotion a Source of Altruistic Motivation" *Journal of Personality and Social Psychology*, No 2: 290-302.
- Bereczkei, A., Birkas, B. and Kerekes, Z. (2010), "The Presence of Others, Pro-social Traits, Machiavellianism A Personality × Situation Approach", *Journal of Personality and Social Psychology*, No 4: 238-245.
- Brose, A., Voelkle, M. C., Lovden, M., Linden Berger, U. and Schmiedek, A. (2015), "Differences in the Between-Person and Within-Person Structures of Affect Are a Matter of Degree", *European Journal of Personality*, No 29: 55-71.
- Chida, Y. and Hamer, M. (2008), "Chronic Psychosocial Factors and Acute Physiological Responses to Laboratory-induced Stress in Healthy Populations: A Quantitative Review of 30 Years of Investigations", *Psychological Bulletin*, No 134: 829-885.
- Costa, P. T. Jr. and McCrae, R. R., (1992), **Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) Professional Manual**, Odessa, Florida: Psychological Assessment Resources Inc.
- Coutinho, J. F., Sampaio, A., Ferreira, M., Soares, M. and Goncalves, O. F. (2013), "**Brain Correlates of Pro-social Personality Traits: A Voxel-Based Morphometry Study**", *Journal of Brain Imaging and Behavior*, No 36: 1682-1690.
- Dawes, R. M. (1980), "Social Dilemmas", *Annual Review of Psychology*, No 31: 169-193.
- Depue, R. A. and Collins, P. F. (1999), "Neurobiology of The Structure of Personality: Dopamine, Facilitation of Incentive Motivation, and Extraversion", *Journal of The Behavioral and Brain Sciences*, No 22: 491-569.
- De Raad, B. and Perugini, M. (Eds). (2002), **Big Five Assessment**, Gottingen, Germany: Hogevan & Huber.

- Dunfield, K. A., Kuhlmeier, V. A., O'Connell, L. J. and Kelley, E. A (2011), "Examining the Diversity of Pro-social Behavior: Helping, Sharing, and Comforting in Infancy", **Journal of Child Development**, No 16: 227-247.
- Dunfield, K. A. and Kuhlmeier, V. A. (2013), "Classifying Pro-social Behavior: Children's Responses to Instrumental Need, Emotional Distress, and Material Desire", **Journal of Child Development**, No 0: 1-11.
- Eisenberg-Berg, N. and Hand, M. (1979), "The Relationship of Preschoolers' Reasoning about Prosocial Moral Conflicts to Prosocial Behavior", **Journal of Child Development**, No 50: 356- 363.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A. and Spinrad, T. (2006), **Pro-social Development**, In N. Eisenberg (Ed.), *Handbook of Child Psychology, Social Emotional, and Personality Development* (6th ed., pp. 646-718). Hoboken, NJ: Wiley.
- Grant, A. M. (2008), "Does Intrinsic Motivation Fuel the Pro-social Fire? Motivational Synergy in Predicting Persistence, Performance, and Productivity", **Journal of Applied Psychology**, No 93: 48-58.
- George, J. M. (1991), "State or Trait: Effects of Positive Mood on Pro-social Behaviors at Work", **Journal of Applied Psychology**, No 2: 299-307.
- Graziano, W. G., Habashi, M. M., Sheese, B. E. and Tobin, R. M. (2007), "Agreeableness, Empathy, and Helping: A Person × Situation Perspective", **Journal of Personality and Social Psychology**, No 93: 583-599.
- Hay, D. F., Castle, J., Davies, L., Demetriou, H. and Stimson, C. A. (1999), "Pro-social action in very early childhood", **Journal of Child Psychology and Psychiatry**, No 40: 905-916.
- Hudson J. I. and Pope, HG Jr (1990), "Affective Spectrum Disorder: Does Antidepressant Response Identify a Family of Disorders with a Common Pathophysiology"? *Am J Psychiatry*; 147(5): 552-564.
- Ilona, P., Harald, F. and Gunter, S. (2008), "The Interplay of Perceiving and Regulating Emotions in Becoming Infected with Anxiety", **Journal of Behavior Research and Therapy**, No 36: 455-470.
- Leiberg, S., Klimecki, O. and Singer, T. (2011), "Short-Term Compassion Training Increases Pro-social Behavior in a Newly Developed Pro-social Game". **Plos one**, No 3: e17798.
- Lopez, S. J. and Snyder, C. R. (2007), **The Handbook of Positive Psychological Assessment, Models, Measurement of Human Strengths**, Washington DC, USA: American Psychological Association.
- Lyubomirsky, S. and King, L. (2005). "The Benefits of Frequent Positive Affect: Does Happiness Lead to Success", **Psychological Bulletin**, No 6: 803-855.
- Mansbridge, J. J. (Ed). (1990), **Beyond Self-Interest**, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Mairesse, F., Walker, M. A., Mehl, M. R. and Moore, R. K. (2007), "Using Linguistic Cues for the Automatic Recognition of Personality in Conversation and Text", **Journal of Artificial Intelligence Research**, No 30: 457-500.
- Mc Crae, R. R. and Costa, P. T. Jr. (1989), "Rotation to Maximize the Constructor Validity of Factors in the NEO Personality Inventory", **Multivariate Behavioral Research**, No 24: 107-127.

- McCrae, R. R. and John, O. P. (1992), "An Introduction to the Five-Factor Model and its Applications", **Journal of Personality**, No 60: 175-215.
- McCrae, R. R., Terracciano, A. and 78 Members of the Personality Profiles of Cultures Project (2005), "Universal Features of Personality Traits from the Observer's Perspective: Data from 50 Cultures", **Journal of Personality and Social Psychology**, No 88: 547-561.
- McIntosh, E. M. (2007), **Noticing and Appreciating the Sunny Sid of Life: Exploration of a Novel Gratitude Intervention that Utilizes Mindfulness Techniques**, Faculty of the College of Arts and Sciences of American University (Washington, D. C.) in partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in Psychology.
- Pavey, L., Greitemeyer, T. and Sparks, P. (2011), "Highlighting Relatedness Promotes Pro-social Motives and Behavior", **Personality and Social Psychology Bulletin**, No 37(7): 905- 917.
- Penner, L.A (2002), "The causes of sustained volunteerism: An inter-actionist perspective", **journal of social issues**, No 58:447-467.
- Penner, L. A., Dovidio, J. F., Piliavin, J. A. and Schroeder, D. A (2005), "Pro-social Behavior: A Multilevel Approach", **Annual Review of Psychology**, No 56: 365-392.
- Pressman, S. D. and Cohen, S. (2005), "Does Positive Affect Influence Health", **Psychol Bull**, No 131: 925-971.
- Radke-Yarrow, M., Zahn-Waxler, C. and Chapman, M. (1983), **Children's Pro-social Dispositions and Behavior**, In P. Mussen (Series Ed.) & E. M. Hetherington (Vol. Ed.), *Handbook of Child Psychology: Vol. 4, Socialization, Personality and Social Development* (4th Ed., pp. 469-545), New York: Wiley.
- Schmitt, D. P., Voracek, M., Realo, A. and Allik, J. (2008), "Why Can't a Man Be More Like a Woman? Sex Differences in Big Five Personality Traits across 55 Cultures", **Journal of Personality and Social Psychology**, No 1: 168-182.
- Schwarz, N. and Skurnik, I. (2003), **Feeling and Thinking: Implications for Problem Solving**, In J. E. Davidson & R. J. Sternberg (Eds.), *The Psychology of Problem Solving* (pp. 263-290), New York: Cambridge University Press.
- Singer, T. and Steinbeis, N. (2009), "Differential Roles of Fairness- and Compassion-Based Motivations for Cooperation, Defection, and Punishment", **Ann N Y Acad Sci**, No 1167: 41-50.
- Tsaousis, I., Nikolaou, I. Serdaris, S. and Judge, T. (2007), "Do the Core. Self-evaluation Moderate the Relationship between Subjective Well-being and Physical and Psychological Health" **Personality and Individual Differences**, No 42: 1444-1452.
- Tkach, C. and Lyubomirsky, S. (2006), "How Do People Pursue Happiness? Relating Personality, Happiness-Increasing Strategies, and Well-being", **Journal of Happiness Studies**, No 7:183-225.
- Watson, D. and Clark, L. A. (2003), **The PANAS-X Manual for the Positive and Negative Affect Schedule— Expanded**, University of Iowa 1989. <http://www.Psychology.uiowa.edu/Faculty/Watson/PANAS-.pdf>. (Accessed September 24, 2003).

- Watson, D. and Tellegen, A. (1985). "Toward a Consensual Structures of Mood", **Journal of Psychological Bulletin**, No 98: 219-235.